

نقش خاندان علوی شریعتمداری سبزواری در نظام قضایی محلی سبزواری (۱۳۹۹-۱۳۰۰ ه.ش)*

مهدی نارستانی^۱

چکیده

در جوامع سنتی شیعی، فقیه عادل اساس نظام قضایی غیررسمی و یکی از عناصر حفظ‌کننده انسجام اجتماعی به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با طرح این سؤال که خاندان علوی شریعتمداری در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۹ چه نقش و جایگاهی در ساختار قضایی و اخلاقی سبزواری داشته‌اند و این نقش چگونه بازتابی از پیوند میان سنت فقهی و نیازهای حقوقی جامعه بوده است، به تحلیل کارکردهای این خاندان می‌پردازد. این پژوهش با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای- استنادی و روش توصیفی-تحلیلی با سطح تحلیل محتوای نظام‌مند انجام شده و داده‌های آن بر پایه اسناد تاریخی، مکاتبات خانوادگی و بیش از ۵۰۰ سند موجود در محضر شرعی بیت علوی گردآوری و طبقه‌بندی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که علویان شریعتمدار از طریق داوری در اختلافات، صدور احکام شرعی، تنظیم معاملات و طلاق‌نامه‌ها و نیز نظارت بر امور ثبتی، نقشی مستقیم در اداره نظام قضایی محلی ایفا کرده‌اند. علاوه بر این، هدایت اخلاقی، میانجیگری در تنش‌های روستایی و شهری و پیشگیری از منازعات، بخش مهمی از نقش غیرمستقیم ایشان را تعریف می‌کند. مجموع این کارکردها بیانگر تداوم مؤثر فقه شیعی در ساماندهی مناسبات اجتماعی است. با رحلت آیت‌الله سید محمدحسن علوی در سال ۱۳۹۹، خلأ قابل توجهی در این نظام محلی پدید آمد و ضرورت بازتعریف نقش فقیه عادل بیشتر آشکار شد.

کلید واژگان: اسناد تاریخی، خاندان علوی شریعتمداری، سبزواری، فقه، مرجع دینی، نظام قضایی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰- تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۶ / مقاله پژوهشی

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران/ m.narestani@hsu.ac.ir

مقدمه

از آغاز قرن چهاردهم هجری شمسی به‌ویژه از دهه ۱۳۰۰ نظام قضایی ایران وارد موج نو سازی شد و با اصلاحات گسترده زیر نظر **علی اکبر داور**، ساختار سنتی عدالت، متحول و پایه‌های دادگستری نوین بر مبنای قوانین مدون شکل گرفت (نک. زندیه و ده‌پهلوانی، ۱۳۹۱ الف، ۷۲). با وجود این، تحولات در سطح ملی، نهادهای دینی و محافل علمی در شهرهای مختلف، از جمله سبزوار همچنان نقش قضایی و اجتماعی خود را حفظ کردند. منظور از «خاندان علوی» در این پژوهش سه نسل از علمای سبزوار یعنی آیت‌الله میرزا ابراهیم شریعتمدار علوی، فرزند ایشان سید محمد مهدی علوی و نوه ایشان آیت‌الله سید محمد حسن علوی است. این خاندان بازتابی از استمرار سنت‌های فقهی در کنار تحولات حقوقی جدید ارائه داده و نزدیک به یک قرن محل رجوع مردم برای حل اختلافات حقوقی و قضایی بوده است.

بر اساس اسناد تاریخی و فقهی موجود، این پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهد که خاندان علوی شریعتمدار سبزواری چه جایگاهی در نظام قضایی محلی سبزوار داشته‌اند و اسناد برجای مانده چه تصویری از نقش سازنده یک فقیه در نظام قضایی این شهر ارائه می‌دهد.

با تحلیل این اسناد، نقش این خاندان در میانجیگری، داوری، تنظیم اسناد شرعی و صدور احکام فقهی و سهم آن‌ها در استمرار سنت قضاوت اسلامی در خراسان غربی تبیین خواهد شد.

پیشینه

بر اساس جست‌وجوهای انجام شده تاکنون پژوهش مستقلی با تمرکز مستقیم بر این موضوع انجام نشده است. در پژوهشی با عنوان «معرفی نسخه‌های خطی خاندان علوی

سبزواری» (نارستانی، ۱۴۰۱)، مجموعه‌ای از آثار مکتوب و دست‌نوشته‌های این خاندان معرفی شده و از نقش علمی آنان سخن به میان آمده است. این اثر بر شناسایی نسخه‌ها، تألیفات و موضوعات آثار تمرکز دارد.

حال آن که پژوهش حاضر با بهره‌گیری از اسناد موجود در کتابخانه این خاندان، به‌طور خاص نقش خاندان علوی را در نظام قضایی محلی سبزوار بررسی می‌کند. سایر پژوهش‌های هم‌سو با این تحقیق عبارتند از:

مقاله «بررسی ساختار و ماهیت نظام حقوقی دولت سلجوقی» نوشته **ناصر صدقی** (۱۳۸۸) که به تبیین سازمان قضایی، جایگاه قاضی، فقیهان و ارتباط فقه با قدرت سیاسی در دوره سلجوقی پرداخته اما به نقش خاندان‌های علمی - قضایی در سطح محلی توجه مستقیمی ندارد. در حالی که تحقیق حاضر با بهره‌گیری از این چهارچوب، نقش خاندان علوی شریعتمدار سبزواری را در نظام قضایی محلی سبزوار بررسی می‌کند.

ده‌پهلوانی و زندیه (۱۳۹۰) نیز در دو مقاله «نقش علمای شیعه در نوسازی نظام قضایی عصر پهلوی اول» و «جایگاه روحانیون متنفذ در مدرنیزاسیون قضایی و تدوین قانون مدنی در عصر پهلوی اول»، به بررسی نقش فعال علما و روحانیون در تحول و نوسازی نظام قضایی ایران پرداخته‌اند. این مطالعات باوجود تمرکز بر سطح ملی، چهارچوبی نظری برای تحلیل نقش نخبگان دینی در ساختارهای قضایی محلی فراهم می‌کنند که در این تحقیق به‌تناسب از یافته‌ها و مباحث این مقالات استفاده شده است.

همچنین کتاب «نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی» نوشته **ویلیم فلور و امین بنانی** (ترجمه حسن زندیه، ۱۳۹۷) به بررسی تحولات نظام قضایی ایران در دو دوره قاجار و پهلوی می‌پردازد و ضمن نگاهی اجمالی به پیشینه قضایی دوره اسلامی، ساختار محاکم شرعی و عرفی، شیوه رسیدگی، انواع مجازات و اجرای احکام را تحلیل می‌کند.

همچنین کتاب «تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول» تألیف حسن زندیه (۱۳۹۲) روند نوسازی دستگاه قضایی ایران در عصر رضاشاه، به‌ویژه اصلاحات بنیادین علی‌اکبر داور را واکاوی کرده و نشان می‌دهد که چگونه با انحلال عدلیه سنتی، تمرکز قدرت قضایی، وحدت قوانین و کاهش نفوذ محاکم شرعی، زمینه شکل‌گیری نظامی عرفی و متمرکز فراهم شد که این پژوهش به‌تناسب از یافته‌های این آثار در تحلیل تحولات قضایی بهره‌مند شده است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین مفاهیم نظری پژوهش، ابتدا شرح حالی مختصر از خاندان علوی ارائه می‌کند و سپس به بررسی و تحلیل نقش آنان در نظام قضایی محلی سبزوار می‌پردازد.

۱. مفاهیم نظری پژوهش

در ادامه سیر تاریخی تحولات قضایی ایران، واژگان محوری مرتبط با مسئله پژوهش و نیز شرح حال خاندان علوی مورد بازخوانی و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۱. تحول نظام قضاوت در ایران

نظام قضایی ایران در طول تاریخ، همواره متأثر از تعامل میان فقه اسلامی، عرف اجتماعی و قدرت سیاسی بوده که در ادامه در حد ضرورت و نیاز این پژوهش، سیر تاریخی این تحولات بررسی می‌شود.

۱.۱.۱. پیش از صفویه

در دوران خلافت بنی امیه، به دلیل شورش های مذهبی و سیاسی و مخالفت های گسترده با حکومت مرکزی، نظام قضایی ایران از انسجام لازم برخوردار نبود. با آغاز خلافت عباسیان، تمرکز نسبی در دستگاه قضا شکل گرفت و میان قضاات ایرانی و قاضی القضاات بغداد پیوندی نهادی برقرار گردید. محاکم عمدتاً شرعی بودند و قضاوت بر اساس مذاهب فقهی اهل سنت، به ویژه مذهب حنفی در ماوراءالنهر و شافعی در خراسان انجام می شد.

با قدرت گیری سلجوقیان، سازمان قضایی منسجم تر شد و مناصبی مانند قاضی القضاات و قاضی عسکر ایجاد گردید. همچنین نهاد حاسبه با وظایفی همچون نظارت بر بازار، حفظ نظم شهری و امر به معروف و نهی از منکر نقش مهمی در تنظیم حیات اجتماعی ایفا می کرد (نک. محقق داماد، ۱۳۸۱، ۳۴). از این رو می توان این دوره را دوره غلبه قضاوت فقهی و نفوذ خلافت دانست.

در اوایل حکومت مغولان در ایران، محاکم شرعی همچنان فعال بودند و ایرانیان دیوان قضا را حفظ کردند. مغولان بر اساس حقوق عرفی و فرمان های چنگیزخان، قانونی به نام «یاسا» یا «یاساق» تدوین کرده بودند. با این حال پیش از اسلام آوردن ایلخانان، مغولان دادگاهی به نام «یارغو» داشتند (خسرویگی و دیگران، ۱۳۹۹، ۶۴). پس از اسلام آوردن غازان خان (نخستین حاکم مسلمان مغول)، اصلاحات گسترده ای در دستگاه قضا صورت گرفت که عمدتاً ناظر به آیین دادرسی و استقلال قضاات بود؛ از جمله الزام مراجعه همگان به دارالقضا، منع دریافت وجه از مردم توسط قضاات، محدودیت اعتبار اسناد قدیمی و دقت در بررسی شهادت شهود. این اصلاحات با هدایت خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی اجرا شد (نک. محقق داماد، ۱۳۸۱، ۳۵). لذا این دوره را می توان دوره اصلاحات در سازمان قضایی و آیین دادرسی دانست.

در عصر تیموریان، با وجود تداوم عناوین و مناصب قضایی، فضای استبداد و رعب، مانع کارکرد واقعی محاکم گردید. در نتیجه نهاد قضا تضعیف شد و عدالت قضایی بیش از پیش جنبه صوری یافت (نک. مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق، ۳۳۹: محقق داماد، ۱۳۸۱، ۳۶). از این جهت، این دوره را باید دوره رکود و تضعیف عملی نهاد قضا دانست.

۱.۱.۲. از صفویه تا انقلاب اسلامی

با تأسیس دولت شیعی صفوی، تحولی بنیادین در نظام قضایی ایران پدید آمد. محاکم به صورت رسمی به دو دسته شرعی و عرفی تقسیم شدند (نک. تسوجی زاد و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۵۵). محاکم شرعی، تحت نظارت فقها به دعوی مربوط به نکاح، طلاق، ارث، وقف، وصیت، معاملات و تنظیم اسناد رسیدگی می کردند و در مقابل، محاکم عرفی با ریاست دیوان بیگی، مسئول رسیدگی به جرایم بزرگ، حفظ نظم عمومی و شکایات علیه کارگزاران دولت بودند (نک. محقق داماد، ۱۳۸۱، ۳۶).

با سقوط صفویان، انسجام نظام قضایی کاهش یافت. حذف منصب صدرالصدور در دوره نادرشاه موجب افزایش اقتدار مجتهدان شد اما هم زمان حکام محلی نیز در امور قضایی مداخله کردند.

در این دوره، محاکم شرعی همچنان مرجع اصلی دعای مردم بودند در حالی که محاکم عرفی بیشتر بر اقتدار سیاسی و نیروی قهریه تکیه داشتند؛ به گونه ای که بسته به قوت و ضعف حکومت مرکزی، گاه نفوذ فقها بیشتر بود و گاه حکام دولتی اقتدار بیشتری داشتند (نک. محقق داماد، ۱۳۸۱، ۳۷-۳۶).

در دوره قاجار نیز همان تقسیم بندی میان محاکم شرعی (محضر) و عرفی (دیوان یا مجلس) ادامه یافت. صلاحیت این دو مرجع با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی تغییر می کرد. محاکم شرعی، به ریاست مجتهد جامع الشرایط، به دعای مدنی، ازدواج،

طلاق، نسب، برخی جرایم جزایی و امور حسبی رسیدگی می کردند و احکام آن‌ها توسط مأموران دولتی اجرا می شد. محاکم عرفی که دولت تشکیل می داد، به جرایم عمده و دعاوی علیه دولت رسیدگی می کرد و اجرای احکام در آن‌ها سریع تر بود (نک. زندیه، ۱۳۹۲، ۱۹).

مطابق یافته‌های برخی پژوهش‌ها، نظام قضایی عصر قاجار تا پیش از انقلاب مشروطیت، تداوم‌دهنده ساختار صفوی بود اما به تدریج دچار انحطاط گردید. مهم‌ترین عوامل این ضعف، کاپیتولاسیون و مداخلات سیاسی دولت‌های بیگانه بود. فروپاشی نظام دادرسی عرفی متمرکز صفوی و ماهیت استبدادی حکومت، کارآمدی عدالت قضایی را کاهش داد. هرچند از دوره عباس میرزا تا عصر ناصرالدین شاه با تشکیل نهادهایی چون دیوان‌خانه عظمی و مجلس تنظیمات حسنه، تلاش‌هایی برای اصلاح انجام شد، اما به دلیل فقدان قوانین پایدار و ساختار منسجم، این اصلاحات موفقیت محدودی داشتند (تسوجی‌زاد و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۵۵). در خلال دوره قاجار، یک‌دست نبودن محکمه عرف و شرع، سرچشمه اصلی کشمکش میان علما و دولت بود. در واقع کوشش‌های دولت در راه استقرار قدرت قضایی، خود به معنی کاستن نفوذ روحانیت تلقی می شد اما شورش مردم به رهبری علما در قضیه رویتر، اعطای امتیاز انحصار تنباکو به ملکم خان و واگذاری انحصارات دیگر، جایگاه علما را در نزد مردم ممتازتر کرد (جلالی، ۱۳۷۵، ۱۲-۱۰).

پس از انقلاب مشروطه، روند نوسازی دستگاه قضایی آغاز شد. تشکیل عدلیه و تدوین قوانین آیین دادرسی، متأثر از حقوق فرانسه موجب تقویت محاکم عرفی شد اما دامنه صلاحیت آن‌ها تدریجاً محدود شد. **جلالی** (۱۳۷۵) این رویارویی سنت و تجدد را تحلیل کرده و نشان می دهد که مخالفت برخی فقها با ساختار قضایی جدید، بیش از

آنکه سیاسی باشد، ناشی از تفاوت مبانی قانونگذاری و حدود صلاحیت قضات شرعی بود (نک. جلالی، ۱۳۷۵، ۱۵).

در دوره پهلوی اول، سیاست تمرکزگرایی و دولت‌سازی مدرن سبب شد قضاوت از مرجعیت فقهی فاصله بگیرد و قاضی به کارمند دولت تبدیل شود. در دوره پهلوی دوم، این روند تثبیت شد و محاکم عرفی به مرجع غالب رسیدگی تبدیل شدند در حالی که محاکم شرعی صرفاً در برخی امور محدود باقی ماندند. این عرفی‌سازی، هرچند نظم شکلی دستگاه قضایی را تقویت کرد اما به گسست میان نظام قضایی و باورهای دینی جامعه انجامید (زندیه و ده‌پهلوانی، ۱۳۹۰، ۱۲۴-۱۲۲؛ محقق داماد، ۱۳۸۱، ۳۶).

با پیروزی انقلاب اسلامی، الگوی قضایی دوره پهلوی دگرگون شد. استقلال قوه قضاییه تضمین گردید و انطباق قوانین با موازین اسلامی به عنوان اصل بنیادین پذیرفته شد. فقه امامیه مبنای نظام قضایی جدید قرار گرفت و به تبع آن، تفکیک میان محاکم شرعی و عرفی از میان رفت و ساختار واحدی ایجاد شد. عالی‌ترین مرجع قضایی کشور، دیوان عالی کشور بود که وظیفه‌اش بررسی آراء محاکم تالی و اطمینان از مطابقت آن‌ها با قوانین و وحدت رویه بود. طبق مقررات، رئیس دیوان عالی کشور باید مجتهد باشد (نک. فلور و بنانی، ۱۳۹۷، ۱۶؛ محقق داماد، ۱۳۸۱، ۴۷-۴۲).

۲.۱. قاضی تحکیم

به باور برخی محققان، داوری به عنوان یکی از شیوه‌های حل و فصل اختلافات در جامعه اسلامی جریان دارد که در ادبیات فقهی چه در فقه امامیه و چه در فقه اهل سنت از این نهاد با عنوان «قاضی تحکیم» یاد شده است (قیوم‌زاده و مظفری، ۱۴۰۰، ۳۸۴). البته برخی معتقدند «داوری» با «قاضی تحکیم» از جهاتی تفاوت داشته و ماهیتاً فرق می‌کند (قماش، ۱۳۷۶، ۲۰۹).

قاضی تحکیم، قاضی‌ای است که طرفین دعوا با تراضی و توافق، او را برای فصل خصومت و حکم میان خود برمی‌گزینند، بدون آنکه وی از سوی امام یا حاکم شرع به‌طور خاص یا عام منصوب شده باشد (اردبیلی، ۱۳۸۱، ۱۰۹/۱؛ کرمانشاهی، ۱۴۲۱، ۱/۴۰۲). در خصوص قاضی تحکیم «... جمعی از علما و شاید اکثراً گفته‌اند که وجود تمام شرایط از جمله اجتهاد در قاضی تحکیم نیز ضروری است» (موسوی خلیلی، ۱۳۸۰، ۳۰۱-۲۶۰) ولی در مقابل «بسیاری از فقها اجتهاد را در قاضی تحکیم شرط ندانسته‌اند، همان‌طور که در حکمین باب نکاح اجتهاد و عدالت شرط نمی‌باشد» (زنجانی، ۱۴۲۱، ۳/۵۲۹). در فرض پذیرش شرط اجتهاد به‌عنوان شرط حکمیت، قاضی تحکیم مخصوص به زمان حضور امام است (نک. نراقی، ۱۴۲۲، ۱، بخش ۲/۳۷۵؛ ترجینی عاملی، ۱۳۸۵، ش، ۸۳/۴).

۳.۱. حَکَم مرضی الطرفین

واژه «حَکَم» به معنای داور استعمال شده است (نک. هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ۴/۶۹۶). بنا بر تحقیق، وقتی دو یا چند نفر برای فیصله دادن به اختلاف، فردی را به‌عنوان حَکَم انتخاب و اختلاف خود را مطرح کنند و به آنچه او حکم کند راضی شوند و شخص منتخب غیر از قاضی منصوب از ناحیه امام باشد، این فصل، یعنی حکم کردن شخص ثالث برای دو نفر متخاصم را تحکیم و آن شخص ثالث را قاضی تحکیم می‌نامند (سادات فخر، ۱۳۸۹، ۶۳)؛ بنابراین می‌توان گفت که حَکَم مرضی الطرفین همان قاضی تحکیم است که در استفتایی به آن اشاره شده است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۹، ۵۱۸).^۱ در روئے قضایی جاری در ایران، «حَکَم مرضی الطرفین» به همان داور توافقی اشاره دارد و در

۱. سؤال ۱۵۹۶... بسمه تعالی: اگر داور مرضی الطرفین همان قاضی تحکیم باشد با دو شرط حکم او نافذ است... والله العالم.

دادنامه‌ای تصریح شده که «شرط حکم مرضی الطرفین همان شرط داوری می‌باشد...»
(پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۴۰۱، ۳۸۳۴۳/Text/Judge/ara.jri.ac.ir/https://)

۱. ۴. شرح حال خاندان علوی

پس از ارائه زمینه تاریخی و تغییرات نظام قضایی، به بررسی جایگاه و خدمات حقوقی خاندان علوی پرداخته شده و نقش آنان در حفظ مرجعیت شرعی و اداره امور قضایی جامعه را بررسی می‌شود.

خاندان علوی سبزواری از خاندان‌های برجسته علمی و دینی این شهر به شمار می‌آیند که سابقه‌ای دیرینه در ترویج فقه و دیانت دارند. در «طبقات اعلام الشیعه» از آل علوی به عنوان «بیت علم جلیل در سبزوار» یاد شده که در میان آنان عالمان، فاضلان و صالحان فراوانی حضور داشته‌اند که نسب ایشان به سادات حسینی و به طور مشخص به علی عریضی، فرزند امام جعفر صادق (ع)، می‌رسد.

این خاندان افزون بر مرجعیت علمی و دینی، نقش مهمی در حفظ و انتقال میراث مکتوب اسلامی و فرهنگی منطقه ایفا کرده‌اند و آثار و فعالیت‌های آنان بازتاب‌دهنده بخشی از تحولات علمی، اجتماعی و مذهبی عصر خود است.

در دوره معاصر، این دودمان علمی با شخصیت‌هایی چون آیت‌الله سید ابراهیم شریعتمداری، سید محمد مهدی علوی و آیت‌الله سید محمدحسن علوی تداوم یافت و با رحلت آیت‌الله سید محمدحسن علوی که به تقدیر الهی فرزندی از ایشان (اعم از پسر یا دختر) باقی نماند، استمرار این سلسله علمی سادات عریضی در سبزوار از این شاخه به پایان رسید (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ ق، ۱۳/ ۴۵۸؛ نارستانی، ۱۴۰۱، ۱۵۰).

با توجه به اینکه محور اصلی این پژوهش سه شخصیت برجسته و معاصر مذکور هستند، در ادامه شرح حالی کوتاه از هر یک ارائه می‌گردد.



۱. ۴. ۱. آیت الله میرزا ابراهیم شریعتمداری

حاج سید ابراهیم بن حاج میرزا معصوم علوی سبزواری از خاندان‌های مشهور علمی شیعه و منسوب به حضرت علی عریضی، نجل حضرت صادق (ع) بود. ایشان در سوم رجب ۱۲۸۰ یا ۱۲۸۲ هجری قمری در شهر سبزوار به دنیا آمد. خاندان ایشان که سابقه‌ای طولانی در علوم دینی و فقه داشتند، نخست از درّود نیشابور به کیدقان و سپس به سبزوار مهاجرت کردند.

سید ابراهیم تحت تربیت و شاگردی اساتید برجسته‌ای همچون سید اسماعیل سبزواری و ملا محمدحسن قاینی به کمال علمی رسید و در سطوح عالی فقه و اصول از اساتید برجسته‌ای همچون شیخ نظام‌الدین گنابادی، حاج ملا اسکندر جوینی و حاج عبدالحسین بقراطی بهره برد. در مراحل بالاتر تحصیل، نزد حاج میرزا حسین سبزواری و سپس در کاظمین و نجف از محضر فقهای بزرگ آن عصر شاگردی کرد.

حاج سید ابراهیم در سال ۱۳۱۱ به زیارت بیت‌الله مشرف شد و پس از آن راهی عتبات عالیات به‌ویژه کاظمین گردید و در عراق از محضر علمای بزرگی همچون شیخ محمدتقی آل محقق شوشتری و شیخ اسدالله صاحب مقایس توشه برگرفت. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۴۱، در سبزوار به تدریس، قضاوت و امامت جماعت پرداخت و سال‌ها به تربیت طلاب علوم دینی مشغول شد.

در میان کسانی که حاج سید ابراهیم را می‌شناختند، زهد، تقوا و تواضع او مشهور بود. او همواره به دعا و عبادت مشغول بود و مداومت بر ادعیه مأثوره و زیارات اهل بیت، بخش مهمی از زندگی روزمره‌اش را تشکیل می‌داد.

از حیث اجازات علمی، ایشان اجازهٔ اجتهاد خود را از آخوند ملا محمدکاظم خراسانی دریافت کرده و اجازهٔ روایت از بزرگان دیگری همچون حاج شیخ فضل‌الله

مازندرانی، آقا میرزا ابراهیم سلماسی و برهان سبزواری داشت. این اجازات نشان از جایگاه رفیع علمی و فقهاتی ایشان در جامعه شیعی داشت.

اگرچه عمده وقت ایشان صرف تدریس و مطالعه می شد، اما آثار علمی ارزشمندی نیز از خود برجای گذاشت. از جمله دو جزء نحویه، ادعیه مأثوره، تقویم البلدان، حاشیه بر نافع مختصر شرایع، مشکله قرآنی، آداب الطفل و منتخب مجمع البحرين (نا تمام). این آثار بیانگر اشتیاق و تعهد او به تحصیل و نشر دانش بود (نک. نارستانی، ۱۴۰۱، ۱۵۹-۱۵۷؛ علوی سبزواری، بی تا مکتوبات). البته آقا بزرگ از ایشان به عنوان «السید محمد ابراهیم السبزواری ۱۳۶۶-۱۲۸۲» یاد کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق، ۴۵۸/۱۳) (تصویر شماره ۱).

۱. ۴. ۲. سید محمد مهدی علوی

سید محمد مهدی بن سید ابراهیم بن سید معصوم، در سه شنبه ۱۸ شعبان ۱۳۲۶ ق در سبزوار متولد شد. در یک سالگی همراه پدر به عراق رفت و دوران کودکی را در کاظمیه گذراند (نک. صائب، ۱۴۲۴ق، ۳۳۱/۲؛ مشار، ۱۳۴۰، ۴۱۴/۶) و در آن جا از کلاس های درس پدرش حاج سید ابراهیم، میرزا ابراهیم سلماسی، شیخ هبه الدین شهرستانی، شیخ علی شاهرودی و شیخ القفقازی لنکرانی بهره برد.

در ۱۳۴۰ ق به کربلا مهاجرت کرد و در درس المعالم و شرح لمعه شرکت نمود. پس از ۱۷ سال اقامت در عراق، در محرم ۱۳۴۴ ق به سبزوار بازگشت و در فلسفه از میرزا حسین بزرگ سبزواری اسفار ملاصدرا آموخت (علوی، بی تا، مخطوطات).

مهم ترین آثار ایشان عبارتند از: تاریخ طوس یا مشهد رضوی (چاپ بغداد ۱۳۴۶ ق)، نابغة العراق یا هبة الدین شهرستانی، أنیس العلماء و جلیس الأدباء (شیه کشکول)، مؤلفو علماء العصر، محکم البرهان فی إعجاز القرآن، رساله در علم العقود (نک. تبریزی خیابانی، ۱۳۳۹، ۳/ ۶۳۸-۶۳۳؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ۱۵۲/۱۰).

سرانجام این نخبه جوان در ۱۸ رمضان ۱۳۵۰ ق (بهمن ۱۳۱۰) در ۲۴ سالگی دار فانی را وداع گفت (نک. صائب، ۱۴۲۴ ق، ۳۳۱/۲) و در جوار بقعه امامزاده شعیب علیه السلام سبزوار به خاک سپرده شد (تصویر شماره ۲).

۱. ۴. ۳. آیت الله سید محمد حسن علوی

آیت الله سید محمد حسن علوی، فرزند آقا سید محمد مهدی و صدیقه بی بی پیش نمازی، در ۲۸ رمضان ۱۳۴۹ ق (بهمن ۱۳۰۹) در سبزوار به دنیا آمد. هنوز نوزاد بود که مادرش (۱۶ روز پس از ولادت) و سپس پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی جد پدری (آیت الله میرزا ابراهیم شریعتمدار) و جد مادری (آیت الله میرزا حسین کوچک پیش نمازی) بزرگ شد.

تحصیلات جدید را تا کلاس چهارم در سبزوار خواند، سپس به مشهد رفت و پس از مدت کوتاهی مدرسه را رها کرد و به طور جدی وارد حوزه شد. مقدمات را نزد سید جلال الدین مدرس و شیخ اسماعیل امامی کلاتی فراگرفت.

در حوزه علمیه سبزوار از استادان برجسته ای چون آیت الله محمد تقی عندلایی، سید فخرالدین افقهی، برهان، میرزا فاضل هاشمی، سید علی اکبر سیادت، سید حسن سیادت و سید اسدالله فاضلی بهره برد.

در سال ۱۳۷۷ ق (۱۳۳۶) برای تکمیل تحصیلات به قم مهاجرت کرد و در درس خارج اساتید بزرگی همچون امام خمینی، علامه طباطبائی، آیت الله میرزا هاشم آملی، آیت الله مرتضی حائری یزدی، آیت الله محقق داماد، آیت الله مشکینی، آیت الله شریعتمداری، آیت الله مجاهدی تبریزی، شهید بهشتی و شهید شیخ محمد مفتاح شرکت کرد (نک. اصلانی، ۱۴۰۳، ۵۰-۲۰).

این عالم ربانی در صبح چهارشنبه اول بهمن ۱۳۹۹ ش در سبزوار دار فانی را وداع گفت. مراجع تقلید بزرگ شیعه از جمله آیات عظام مقام معظم رهبری، سیستانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، صافی گلپایگانی و علوی گرگانی و بسیاری از نهادهای حوزوی و شخصیت‌های کشور درگذشت ایشان را تسلیت گفتند (<https://www.hsu.ac.ir/alavi>).

۲. نقش فقهای خاندان علوی در نظام قضایی محلی سبزوار

در نظام قضایی جوامع سنتی شیعی به‌ویژه در ایران عصر قاجار، نقش فقیه در چهارچوب دوگانگی میان محاکم شرعی و عرفی معنا پیدا می‌کرد. محاکم عرفی که توسط صاحب‌منصبان دولتی از دیوان شاه تا حاکمان ایالتی، کدخدایان، داروغه و محتسب اداره می‌شد با رسیدگی‌های سریع، مختصر و اغلب علنی، بیشتر به حفظ نظم، امنیت و منافع حکومت توجه داشت و در آن‌ها قاضی عرف بر اساس تشخیص شخصی، عرف محلی، سنت شفاهی، مصلحت و گاه منافع فردی حکم صادر می‌کرد. فقدان بایگانی، نبود رویه ثابت، اتکا به جرمه، تنبیه بدنی و اخذ اعتراف و نیز امکان نفوذ و رشوه از ویژگی‌های این محاکم بود (فلور، بنانی، ۱۳۹۷، ۲۲).

در مقابل، محاکم شرع که تحت نظر فقها فعالیت می‌کرد از ساختار مشروعیت دینی و اعتماد اجتماعی برخوردار بوده و در دعاوی مدنی و امور شخصیه نقش اصلی را ایفا می‌کرد.

در ادامه با توجه به اسناد تاریخی موجود در خاندان علوی سبزواری، به نقش مستقیم و غیرمستقیم فقهای این خاندان در ساختار نظام قضایی محلی شهر سرمداران پرداخته می‌شود.

۱.۲. نقش‌های مستقیم در قضاوت و امور حقوقی

فقیه در جوامع سنتی شیعی، مستقیماً در حل و فصل اختلافات و اجرای احکام شرعی دخالت می‌کند. این نقش‌ها عبارتند از:

۱.۱.۲. حَکَمیت

حل و فصل نزاع‌های خانوادگی، تجاری، ارثی و دعاوی مدنی میان افراد با تکیه بر قواعد فقه جعفری انجام می‌گرفت؛ امری که در تاریخ ایران، در دوره‌های مختلف و در شهرهای بزرگ و کوچک جریان داشت (به نقل از: زمانی و احمدآبادی، ۱۴۰۱، ۱۶؛ خسرو بیگی، صادقی فر و نوروزی، ۱۳۹۹، ۷۰).

در ادامه یکی از آرای قضایی صادره از آیت‌الله میرزا ابراهیم شریعتمدار به‌عنوان «حَکَم مرضی‌الطرفین» ارائه می‌شود. این حکم کاملاً مطابق قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۶ است.

صورت حُکَم حَکَم

«در موضوع طلب آقای حسن آقای رضایی به مدعی به یک هزار تومان از کربلای علی‌اصغر مزینانی که برحسب تقاضای وکیل مدعی علیه از محکمه محترمه قرار نامه حکمیت صادر شده بود و در تاریخ ۱۶ اسفندماه سال ۱۳۷ شمسی قرار به این‌جانبان ابلاغ و در تاریخ ۱۴ فروردین‌ماه سال ۱۳۰۸ با حضور آقایان میرزا عبدالحسین رضایی و آقا محمدحسن تولایی و این‌جانب حَکَم مرضی‌الطرفین و حضور وکلای طرفین رسیدگی در ۴ ساعت به غروب به ۱۴ فروردین به عمل آمد از مفاد نوشتجات مدعی و اظهارات مطلعین که حضور داشته مسلم شد که کربلایی علی‌اصغر مزینانی متصدی املاک مدعی بوده محصول املاک کلاته و محسن‌آباد در تصرف داشته محرز و مسلم است برای تعیین اجور سنواتی حکمین قرار تصدیق مصدق و خبره را می‌دهند که بعد از تعیین

اجور سنواتی مدعی علیه هر قدری که خبره‌ها معین نمایند باید به مدعی پردازد و کان ذلک به تاریخ ۱۴ فروردین ماه سنه ۱۳۰۸ شمسی / سهمین مقدار در کلاته و محسن آباد متصدی بوده است آقای محمدحسن تولایی» (تصویر شماره ۳).

در مقام مقایسه این رأی با آرای صادره در نظام قضایی کنونی، می‌توان اظهار داشت که از حیث ساختار نگارش حقوقی، متن حکمیت همانند آرای دادگاه‌های امروزی^۱ بایان موضوع دعوا، دلایل و مستندات، اظهارات طرفین و سپس استدلال حکم آغاز می‌شود. در این رأی حکم همانند قاضی امروز، ابتدا وضعیت تصرف و مالکیت را احراز کرده و آن گاه مبادرت به صدور رأی نموده است. همچنین فصل خصومت و خاتمه دادن به دعوا از نکات کلیدی این حکمیت به شمار می‌آید؛ زیرا رأی داوری در آن زمان، همانند رأی دادگاه در عصر حاضر، موجب سقوط دعوا و پایان رسیدگی محسوب می‌شده است.

افزون بر این، حکم پس از احراز تصرف و تعیین مسئولیت، تعیین میزان «اجور سنواتی» را به خبره‌ها واگذار کرده است؛ امری که دقیقاً معادل قرار ارجاع امر به کارشناسی در نظام آیین دادرسی امروز است.^۲

۱. ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹:

رأی دادگاه پس از انشاء لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرس یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت گردد:

تاریخ صدور رأی. مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان با قید اقامتگاه. موضوع دعوا و درخواست طرفین. جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی بر اساس آن‌ها صادر شده است. مشخصات و سمت دادرس یا دادرسان دادگاه.

۲. ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی: دادگاه می‌تواند راساً یا به درخواست هر یک از اصحاب دعوا قرار ارجاع امر به کارشناس را صادر نماید. در قرار دادگاه، موضوعی که نظر کارشناس نسبت به آن لازم است و نیز مدتی که کارشناس باید اظهار عقیده کند، تعیین می‌گردد.

۲.۱.۲. فقیه مدیر در نظام ثبتی و مالکیتی

موسوی اردبیلی، فقیه و مدیر قضایی برجسته پس از انقلاب اسلامی، بر اهمیت ثبت و ضبط وقایع و اسناد در فرایند قضاوت تأکید داشته و این امور را از مقدمات واجب می‌داند. وی به دقتی بودن در شماره گذاری و تاریخ گذاری اسناد اشاره کرده و تأسیس نهادی ویژه با ریاست و معاونت برای ساماندهی این امور را ضروری می‌شمارد. او همچنین بیان می‌کند که عدم عدالت و امانتداری در ثبت وقایع، موجب اختلال در نظام قضایی و بی‌اعتمادی عمومی خواهد شد (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۱، ۳۶۸/۱).

در ادامه، تصویر یکی از صفحات دفتر اسناد و اوراق محضر آیت‌الله میرزا ابراهیم تحلیل می‌گردد (تصویر شماره ۵).

وجود ستون‌های منظم (تاریخ، موضوع، مبلغ، توضیحات، تصدیق) و درج تاریخ دقیق قمری، بیانگر نوعی نظام ثبتی نیمه اداری است که قبل از شکل‌گیری دفاتر اسناد رسمی دولتی (۱۳۱۰ ش) در محاضر فقهی رایج بوده است. این نظم نشان از درک بالای فقیه از ضرورت ثبت و ضبط دارد؛ همان نکته‌ای که فقها آن را «مقدمه واجب قضا» می‌دانستند.

مهرهایی که در حاشیه سند دیده می‌شود، نشان‌دهنده تعدد گواهی‌ها و تأییدات است. مهر فقیه، سند را از یک نوشته‌ی عرفی به سند معتبر شرعی و الزام‌آور تبدیل می‌کند. در صفحه مذکور که سه واقع ثبت شده است و در ستون‌هایی در مقابل هر واقع مهر سردفتر «ابراهیم علوی» ثبت شده است (تصویر شماره ۶).

۲.۱.۳. اجرای صیغه‌های شرعی

نکاح، طلاق و سایر عقود شرعی در حضور فقیه و در مکان‌هایی مانند بیت‌العلماء یا مسجد منعقد می‌شود تا صحت و اعتبار شرعی آن‌ها تضمین گردد. به‌ویژه در عقد نکاح،



بُعد روحانی و معنوی اجرای صیغه در محضر فقیه عالم و عادل برای مریدان و مقلدان اهمیت ویژه‌ای دارد. این سنت همچنان ادامه دارد و بسیاری از افراد خواهان اجرای صیغه عقد خود توسط بزرگان و مراجع تقلید هستند (تصویر شماره ۷).

۲. ۱. ۴. نگارش و نظارت بر اسناد عادی

یکی از حوزه‌های مهم در امور حقوقی، نگارش و نظارت بر اسناد عادی است که شامل تنظیم معاملات مختلف مانند خرید و فروش، اجاره، وکالت و هبه می‌شود. همچنین نگارش اسناد خانوادگی و ارثی مانند وصیت‌نامه، وقف‌نامه، تقسیم ارث و صلح‌نامه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در گذشته بسیاری از این اسناد توسط مجتهدان تنظیم و مهر می‌شد تا با احکام شرعی انطباق داشته باشد. در این راستا، فقیه به‌عنوان مرجع اصلی اعتباربخشی حقوقی شناخته می‌شد.

تأیید اسناد برای جلوگیری از بطلان شرعی نیز از فعالیت‌های دیگر فقها بود که معمولاً برای رضای خدا انجام می‌گرفت. برای مستندسازی این موضوع، یکی از اسناد موجود در کتابخانه آیت‌الله سید محمدحسن علوی سبزواری به‌عنوان شواهد و منابع معتبر ارائه می‌گردد که نشان‌دهنده نقش فعال فقها در نگارش و تصدیق اسناد است.

در این سند که از منظر تاریخ فقهای سبزواری اهمیت ویژه‌ای دارد، مهر و امضای مجموعه‌ای از علمای طراز اول شهرستان سبزوار به‌طور هم‌زمان مشاهده می‌شود. این اسامی نشان‌دهنده جایگاه اعتباربخشی سند و شأن حقوقی - اجتماعی آن در این دوره است. از جمله این بزرگان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مرحومان آیت‌الله برهان، حاج‌آقای فخر، حاج‌آقای اسدالله فاضلی، حاج‌آقای محمدتقی فهاقی، حاج‌آقای محمدحسین شهرستان، حاج‌آقا مدرسی و دیگر علمای معاصر ایشان (تصویر شماره ۸).

۲.۲. نقش‌های غیرمستقیم در قضاوت و امور حقوقی

فقیه، فراتر از نقش مستقیم در منصب قضا، از طریق فعالیت‌های معرفتی، فرهنگی و اجتماعی به گونه‌ای غیرمستقیم بر نظام قضایی و ساختار حقوقی جامعه اثر می‌گذارد. این نقش‌ها را می‌توان در دو دسته کلی بررسی کرد:

۲.۲.۱. نقش‌های معرفتی فقیه

در ساختار قضایی، قانون و قاضی دو رکن بنیادین به شمار می‌آیند. در نظام قضایی شیعه، پشتوانه اصلی این دو رکن، فقیه عادل است که در بُعد علمی، زیربنای معرفتی دستگاه قضا را فراهم می‌سازد. نقش معرفتی فقیه در این نظام، عمدتاً در سه عرصه شناخته شده بروز می‌کند که در ادامه به آن اشاره می‌گردد.

۲.۲.۱.۱. صدور فتوا

صدور فتوا که در حقیقت نوعی نقش تقنینی برای ساماندهی روابط اجتماعی به شمار می‌رود و فقیه با پاسخ‌گویی به استفتائات در مسائل قضایی، مبانی نظری و فقهی لازم برای داور و تصمیم‌گیری قضات و مردم را فراهم می‌کند (نک. علیزاده بیرجندی و دیگران، ۱۳۹۲ش، ۸۲-۸۰).

مطابق اسناد موجود در خاندان علوی، مسلم است مرحوم آیت الله میرزا ابراهیم علوی با توجه به تعلیق ایشان بر کتاب «المختصر النافع» به مقام اجتهاد نائل شده و صاحب فتوا بودند (نک. نارستانی، ۱۴۰۱ش، ۱۵۳) (تصویر شماره ۹ و ۱۰).

۲.۲.۱.۲. پرورش قضات و فقها

تربیت قضاتی که بر مبانی فقهی و اصول استنباط احکام تسلط داشته باشند یکی از مهم‌ترین نقش‌های معرفتی فقیه است. به گواه تاریخ، تربیت قضات از طریق تدریس علوم دینی، از مهمترین اشتغالات فقهای خاندان علوی سبزوار بوده است.

۲.۱.۲. نظارت فقهی بر تصویب قوانین و اجرا

نامدارترین علما جز به حاکمیت و اولویت قانون به چیز دیگری ارج نمی‌نهادند. اهتمام به قانون و قانون‌گرایی علمای شیعه، اختصاص به دوره مشروطیت ندارد. در دوره‌های مختلف تاریخ ایران اسلامی، فقها همواره نقش ناظر بر مصوبات و قوانین را بر عهده داشتند؛ این نظارت به منظور تضمین تطابق قوانین با اصول و موازین شرعی و جلوگیری از عدول قانون‌گذاری از چهارچوب فقه صورت می‌گرفت (جلالی، ۱۳۷۵، ۲۲؛ نک. جعفری نادوشان، ۱۴۰۱، ۲۴-۲۰). اگرچه در ساختار محلی برخی شهرها مانند سبزوار، نهاد رسمی تصویب قانون وجود نداشته، اما مطابق برخی اسناد، در اوایل انقلاب اسلامی، شخصیت‌های برجسته‌ای نظیر مرحوم آیت‌الله سید محمد حسن علوی به جلسات تصمیم‌گیری در خصوص مسائل مهم شهر دعوت می‌شدند یا تصمیمات مهم به صورت رونوشت به اطلاع ایشان رسانده می‌شد (تصویر شماره ۱۱).

۲.۲.۲. نقش‌های کاربردی فقیه

فقه‌های عامل و عادل در تاریخ جوامع اسلامی همواره نقش مؤثر و پایداری در ساختار قضایی ایفا کرده‌اند. حضور تاریخی آنان تنها محدود به جایگاه نظری و استنباطی نیست. با مطالعه اسناد تاریخی، نقش‌های کاربردی فقها در ساختار قضایی آشکار خواهد شد. برخی از مهم‌ترین این نقش‌ها و فعالیت‌های قضایی عبارتند از:

۲.۲.۲.۱. کنترل و مهار قدرت حکام عرفی

مطابق مطالعات تاریخی در ساختار سنتی نظام قضایی، چنانچه حکام عرفی قصد بازداشت یا تعقیب فردی را داشتند، آن فرد می‌توانست با پناه بردن به حوزه اقتدار فقیه مانند دارالقضا، خانه مجتهد یا مسجد، مصونیت یابد. به این ترتیب حکام عرفی حق

دستگیری او را نداشتند (نک. تسوجی‌زاد و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۴۴). این امر نشان‌دهنده نقش مهم فقیه در مهار قدرت حاکمان عرفی و ایجاد نوعی پناهگاه قضایی - اجتماعی برای مردم است.

۲.۲.۲.۲. سخنرانی و فعالیت‌های فرهنگی و هدایت اخلاقی جامعه

فقه‌ها با بیان احکام، حدود شرعی و تکالیف اجتماعی، نوعی آموزش عمومی و ایجاد سواد حقوقی در جامعه داشتند.

افزایش فهم مردم از حقوق و تکالیف خود، بستر شکل‌گیری جامعه‌ای قانون‌مدار بود و به تبع کاهش تخلفات را در پی داشت و از این طریق غیرمستقیم باعث اصلاح رفتارهای اجتماعی می‌شد.

در مرقومه مرجع تقلید جهان تشیع، مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی، خطاب به آیت‌الله سید محمدحسن علوی، نقش برجسته این فقیه در هدایت اخلاقی و تبلیغ معارف دین موردتوجه قرار گرفته است. مرجع تقلید در این نامه از تلاش‌های آیت‌الله علوی تقدیر می‌کند و برای ایشان و تمام کسانی که در راه تبیین و ترویج معارف دین گام برمی‌دارند دعا می‌نماید (تصویر شماره ۱۲).

۳.۲.۲.۲. میانجیگری در اختلافات و تقویت انسجام اجتماعی

یکی از نقش‌های مهم و پراستفاده فقه‌ها، رفع منازعات و ایجاد صلح و سازش میان طرفین اختلاف است. این سازوکار سنتی حل‌وفصل اختلافات از حجم پرونده‌های قضایی می‌کاست، هزینه‌های اجتماعی نزاع را کاهش می‌داد و راه را برای دادرسی عادلانه‌تر، کوتاه‌تر و کم‌فشار فراهم می‌کرد.

در سند مربوط به حل اختلاف درباره اراضی میان دو روستا مشاهده می‌شود که متن اصلی به خط آیت‌الله سید محمدحسن علوی نگاشته شده و بزرگان هر دو روستا در حاشیه آن، میانجیگری و سازش را امضا کرده و سخن این فقیه را فصل الخطاب دانسته‌اند.

نکته اخلاقی مهم در این سند - که از آداب قضا نیز به شمار می‌رود - برابری در نگاه به دو طرف دعواست؛ چنان‌که در عبارت «طبسی‌های گرامی به نصرآبادی‌های محترم...» این روحیه عدالت محور به‌روشنی دیده می‌شود.

افزون بر این، سند مشتمل بر نکات فقهی و حقوقی دیگری نیز هست. آنچه اهمیت دارد این است که اعتماد عمومی و جایگاه معنوی این فقیه، خود مانع شکل‌گیری نزاع‌های مکرر میان دو روستا شده و از تشکیل پرونده‌های متعدد جلوگیری کرده است؛ پرونده‌هایی که معلوم نبود بتوانند این خصومت را به‌خوبی پایان دهند (تصویر شماره ۱۳).

۴.۲.۲.۲. پیشگیری از جرم از طریق ترویج تقوا و عدالت

نقش پیشگیرانه فقیه در کاهش آسیب‌ها و جرایم شامل ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی، تقوا، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و مبارزه با مفاسد اجتماعی است. این فعالیت‌ها باعث کاهش تمایل به رفتارهای مجرمانه و ناهنجار می‌شود و از طریق نفوذ معنوی، اعتماد اجتماعی و هدایت فرهنگی تحقق می‌یابد.

نقش فقیه در مقابله با فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی نیز بسیار مهم است زیرا این جریان‌ها می‌توانند تأثیرات منفی بر فرهنگ عمومی، اخلاق اجتماعی، اقتصاد و ثبات سیاسی بگذارند (نک. بوشاسب گوشه و آزادان، ۱۴۰۰، ۱۵۶-۱۵۲). فقیه عادل با روشنگری،

نقد علمی و تبیین مبانی اخلاقی و اعتقادی، از گسترش این انحرافات جلوگیری می‌کند و نقش بازدارنده‌ای در بروز ناهنجاری‌ها و جرایم ایفا می‌کند.

اعتماد نسل جوان به فقیه می‌تواند این نقش پیشگیرانه را تقویت کند، زیرا جوانان بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی و فکری هستند. رفتار و گفتار فقیه از جمله عدالت‌ورزی، صداقت و مردمی بودن - می‌تواند تأثیرات عمیقی در پیشگیری از انحراف و جرم داشته باشد.

علاوه بر این‌ها رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای ستاد مرکزی کنگره ملی شهدای سبزوار و نیشابور درباره نقش آیت‌الله سید محمدحسن علوی نکته‌ای بیان فرمودند مبنی بر اینکه شهادت یکی از دوستان جوان غیرمسلمان، او را بر آن داشت تا با مراجعه به ایشان، به اسلام و تشیع گرویده و سپس در جبهه به شهادت برسد (خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۰۳/۰۹).

این روایت نشان‌دهنده تأثیر مستقیم فقیه بر شکل‌دهی به رفتار نسل جوان و هدایت اجتماعی آنان است. برای روشن‌تر شدن این نقش و بررسی مصادیق عینی آن، در ادامه به تحلیل یک سند تاریخی مربوط به پرسش و پاسخ دانش‌آموزان با آیت‌الله سبزوارى پرداخته می‌شود؛ سندی که بیانگر نحوه تعامل فقیه با نسل جوان و اثرگذاری او در ارتقای اخلاق اجتماعی، تقویت تقوا و حفظ مصونیت فرهنگی جامعه است. تحلیل این سند در سه محور به شرح ذیل است:

محور نخست: زمینه سند (گفت‌وگو میان نسل جوان و فقیه)

در این سند، گفت‌وگو نه در قالب یک حکم رسمی یا فتوای شرعی، بلکه گویا در چهارچوب یک دیدار فرهنگی و تربیتی صورت گرفته است. همین امر نشان می‌دهد که فقیه در جایگاه یک مرجع فرهنگی و تربیتی نقش‌آفرینی می‌کند، نه صرفاً در مقام قانونگذار یا قاضی.

در این شیوه از ارتباط، نوجوانان و جوانان در معرض دریافت مستقیم مفاهیم تربیتی قرار می‌گیرند که خود نوعی پیشگیری غیرمستقیم از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی است.

محور دوم: نقش فقیه در هدایت اخلاقی

در پاسخ‌های موجود در سند (مثلاً توصیه به اخلاق نیک، تلاش در تحصیل، پایبندی به ارزش‌های اسلامی و پرهیز از گناه و)، فقیه به شکل نمادین نقشه راه اخلاقی جامعه را ارائه می‌دهد.

این آموزه‌ها، بدون استفاده از ابزار قدرت یا اجبار، در ذهن نسل جوان نهادینه شده و در بلندمدت به درونی‌سازی وجدان اخلاقی منجر می‌گردند. در نتیجه، فقیه از طریق آموزش غیررسمی و گفت‌وگو، بر رفتار اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

محور سوم: پیشگیری از جرم از مسیر تربیت اخلاقی

پیشگیری از جرم از طریق تقویت بُعد معنوی و اخلاقی انسان انجام می‌شود، نه از راه مجازات. برخی پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که بعد اعتقادی هویت دینی نقش مؤثری در کاهش بزهکاری دارد. بر اساس داده‌های تحقیق، همبستگی معناداری بین بعد اعتقادی هویت دینی و بزهکاری نوجوانان وجود دارد ($r = -0.281, p < 0.01$). این یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچه بعد اعتقادی قوی‌تر باشد، میزان بزهکاری نیز کاهش می‌یابد (خسروشاهی و جوادی حسین‌آبادی، ۱۳۹۵، ۱۰۳).

آیت‌الله علوی بر مسئولیت‌پذیری، خودسازی، علم مفید، تقوا و رعایت حقوق دیگران تأکید داشته و معتقد است این محورها به نوعی به تقویت ابعاد اعتقادی و اخلاقی دین کمک کرده و پایه اصلی پیشگیری از انحراف و جرم در جامعه اسلامی محسوب می‌شوند.

۳. تحلیل و بررسی

این پژوهش به بررسی اسناد تاریخی دوره‌ای حدوداً صدساله، از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۹ شمسی می‌پردازد. شخصیت‌های محوری تحقیق، عالمان عامل و عادل از خاندان سادات عریضی مقیم سبزوار هستند؛ خاندانی که با رحلت آیت‌الله سید محمدحسن علوی در بهمن‌ماه ۱۳۹۹ به پایان رسید. این دوره، مقطعی است که نظام قضایی ایران به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ دچار تغییرات بنیادین شد. در دهه نخست ۱۳۰۰ شمسی، رضاشاه نوسازی ساختار قضایی ایران را آغاز کرد و در سال ۱۳۰۷ روحانیت را از منصب قضاوت کنار گذاشت (نک. زندیه و ده‌پهلوانی، ۱۳۹۰، ۱۲۲). با این حال، بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که در سبزوار، مردم همچنان به فقیهان عادل و عامل، اعتماد عمیق داشتند و آن‌ها را مرجع اصلی حل اختلافات می‌دانستند. جایگاه این فقیهان بر سه رکن استوار بود: دانش فقهی، عدالت اجتماعی و توانایی عملی.

چنین نقشی، انسجام اجتماعی را در پرتو ارزش‌های اسلامی حفظ می‌کرد و مانع فروپاشی اخلاقی و حقوقی می‌شد. در دوره‌هایی که نهادهای دولتی مدرن حضور یا کارآمدی کافی نداشتند، فقیه به‌عنوان «حاکم شرع» ایفای نقش می‌کرد و مرجعیت او بر پایه اجتهاد، تقوا و پذیرش عمومی بود. البته حضور روحانیت در ساختار نظام قضایی در تاریخ ایران سابقه‌ای دیرینه دارد؛ به‌عنوان نمونه در ساختار قضایی دولت سلجوقی دو نهاد متفاوت وجود داشت: یکی محاکم شرع و دیگری محکمه سلطانی (نک. صدقی، ۱۳۸۸، ۵۱).

۱.۳. استمرار اقتدار فقهی در برابر پروژه حذف روحانیت (۱۳۵۷-۱۳۰۷ ش)

با کنار گذاشته شدن روحانیت از قضاوت رسمی، بسیاری از شهرها تحت تأثیر قرار گرفتند، اما این طرح در سبزوار عملاً شکست خورد. دلایل اصلی شامل اعتماد مردم به عدالت و تقوای خاندان علوی، وجود آرشیو منظم اسناد شرعی و شبکه اجتماعی قدرتمند بیت علوی بود. در عمل، بخش عمده دعاوی ملکی، خانوادگی و تجاری تا پایان پهلوی اول در بیت علوی حل می‌شد.

۲.۳. تدویم و گسترش نقش پس از انقلاب اسلامی (۱۳۹۹-۱۳۵۷ ش)

پس از انقلاب، نقش علمای محلی کاهش نیافت؛ بلکه برعکس، آیت‌الله سید محمدحسن علوی به‌عنوان «حاکم شرع مورد اعتماد مردم» همچنان مرجع اصلی صلح و سازش باقی ماند. در عرف محلی آن زمان گفته می‌شد: «آقا چنین گفته است». لذا مردم با طیب نفس به گفته‌ها و دستورات ایشان عمل می‌کردند.

۳.۳. خلأ پس از رحلت آیت‌الله سید محمدحسن علوی

با پایان نسل فعال خاندان علوی و فقدان بیت اهل علم که هم از نظر علمی و هم از نظر اعتماد عمومی مورد اقبال مردم باشد، علی‌القاعده باید انتظار افزایش پرونده‌های طلاق، ارث و اختلافات ملکی در دادگستری سبزوار را داشته باشیم. علاوه بر این، خلأ معنوی و اخلاقی برای نسل جوان نیز به‌وضوح مشهود است.

۴.۳. محدودیت‌های جایگزینی نظام قضایی رسمی

نظام قضایی مدرن به‌تنهایی نمی‌تواند جایگزین فقیه شود، زیرا قانون محدودیت دارد، اعتماد مردم کمتر است، هزینه و زمان رسیدگی بالاست و بعد اخلاقی و پیشگیرانه‌ای که فقیه داشت، در دادگستری وجود ندارد.

۳. ۵. درس‌های خاندان علوی برای احیای نقش فقیه محلی

حوزه‌های علمیه در تربیت فقیهان بومی عامل و عادل نقش مهمی دارند و نظام قضایی باید جایگاه آن‌ها را بشناسد. در شهرهای مذهبی، باید فقهای مراکز علمی به حضور در شهرستان‌ها تشویق شوند تا مردم دسترسی به فقیه عادل داشته باشند، که این باعث تسهیل رسیدگی به دعاوی و کوتاه‌تر شدن زمان پرونده‌ها می‌شود.

برخوردهای رقابتی برخی قضات با فقیهان محلی، اثرگذاری آنان را کم می‌کند و شورای حل اختلاف یا دادگاه صلح جایگزین فقیه عادل نمی‌شود؛ چون فقط وزن علمی و اخلاقی فقیه باعث تمکین مردم است، نه صرفاً ریش سفیدی.

خاندان علوی در سبزوار هم نقش قضایی، اجتماعی و اخلاقی داشته‌اند و پس از آنان، نیاز به احیای نقش فقیهان بومی عادل برجسته‌تر شده است.

این تحلیل نشان می‌دهد که خاندان علوی نه تنها به عنوان نهاد علمی و قضایی، بلکه به عنوان محور اجتماعی و اخلاقی، نقش مستقیم و غیرمستقیم مهمی در حفظ انسجام قضایی و اجتماعی سبزوار ایفا کرده و خلأ پس از رحلت آخرین نسل آنان، اهمیت احیای این نقش را برجسته می‌سازد.

نتیجه‌گیری

در جوامع سنتی شیعی، فقیه ستون فقرات نظام قضایی محسوب می‌شود؛ شخصیتی که نه تنها عدالت را اجرا می‌کند، بلکه آن را در بستر اجتماعی نهادینه می‌سازد. این نقش چندبُعدی، شامل داوری و فصل خصومت، هدایت فرهنگی و اخلاقی، ضمان پایداری جامعه‌ای است که بر شریعت و ارزش‌های اخلاقی استوار است. با ورود به عصر مدرن، بخشی از این وظایف به نهادهای رسمی و دولتی منتقل شد، اما مرجعیت فقهی همچنان در حل مسائل پیچیده خانوادگی، اجتماعی و اخلاقی اهمیت و کارامدی ویژه‌ای دارد.



در سبزوار، پس از رحلت آیت‌الله سید محمدحسن علوی، خلأ محسوس چنین پایگاه فقهی و اجتماعی آشکار شد. در نتیجه، بار اصلی امور قضایی عملاً بر دوش نهادهای حکومتی افتاد که گاه موجب افزایش مراجعات به دستگاه قضایی و تأخیر در دستیابی به فصل‌الخطاب می‌شد. از این رو، احیای جایگاه فقیه عادل و عاملی که بتواند هم‌زمان نقش قضایی، اجتماعی و اخلاقی ایفا کند، بر عهده حوزه‌های علمیه است. این امر نه تنها تداوم سنت قضایی و فقهی منطقه را تضمین می‌کند، بلکه پشتوانه معنوی و اجتماعی لازم برای نظام قضایی محلی را نیز بازمی‌گرداند.

تقدیر و تشکر

این مقاله حاصل فرصت مطالعاتی مشترک بین دانشگاه حکیم سبزواری و حوزه علمیه سبزوار در سال ۱۴۰۴ است. نویسنده از حمایت و همکاری دانشگاه و حوزه علمیه یاد شده صمیمانه قدردانی می‌کند.

منابع

قانون آیین دادرسی مدنی

۱. احمدآبادی، محمد؛ زمانی، طوبی، «محاكم قضایی و شیوه مجازات در دوره قاجار»، **انسان‌شناسی**، س ۱۹، ش ۳۴، ۱۴۰۱ش، صص ۱۳-۴۹.
۲. اصلانی، فیروز، **فقیه‌ی وارسته از دیار سربداران** (کتاب فرهنگ ۳)، تهران، کیهان فرهنگی، ۱۴۰۳ش.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، **طبقات أعلام الشيعة**، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۳۰ق.
۴. بوشاسب‌گوشه، فیض‌الله؛ آزادیان، بهزاد، «نقش علمای شیعی در گسترش تشیع در ایالت کرمانشاهان در دوره قاجاریه»، **مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی** (فروغ وحدت)، س ۱۶، ش ۵۵، ۱۴۰۰ش، صص ۱۶۳-۱۵۱.
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، «بیانات»، در دسترس در farsi.khamenei.ir
۶. ترحینی عاملی، محمد حسن، **الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية**، بی‌جا، دار الفقه للطباعة و النشر، ۱۳۸۵ش.
۷. تسوجی‌زاد، یدالله؛ اصفهانیان، داوود؛ قره‌داغی، معصومه، «نظام قضایی ایران در عصر قاجار و تحول آن در پرتو انقلاب مشروطه»، **سیاست جهانی**، س ۱۰، ش ۴، ۱۴۰۰ش، صص ۲۴۷-۲۴۱.
۸. جعفری نادوشان، علی‌اکبر، «بررسی نقش شیخ حسین یزدی در تبیین و استقرار اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت»، **پژوهش‌های علوم تاریخی**، س ۱۴، ش ۲، ۱۴۰۱ش، صص ۴۲-۲۱.
۹. جلالی، غلامرضا، «رویاریبی معماران قضای اسلامی با تأسیسات حقوقی نوین»، **مجله حوزه**، ۱۳۷۵ش، ش ۷۶-۷۷، صص ۳۱۵-۲۷۱.

۱۰. خسرویگی، هوشنگ؛ صادقی‌فر، مژگان؛ نوروزی، جمشید، «بررسی مبانی تشکیلات قضایی آل‌مظفر»، **پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران**، س ۹، ش ۱، ۱۳۹۹ش، صص ۷۸-۶۱.
۱۱. خسروشاهی، قدرت‌الله؛ جوادی حسین‌آبادی، حسین، «تحلیل رابطه مؤلفه‌های هویت دینی و پیشگیری از جرم»، **پژوهش حقوق کیفری**، س ۵، ش ۱۷، ۱۳۹۵ش، صص ۹۱-۱۲۵.
۱۲. دانشگاه حکیم سبزواری، «معرفی»، در دسترس در hsu.ac.ir
۱۳. ده‌پهلوانی، طلعت؛ زندیه، حسن، «نقش علمای شیعه در نوسازی نظام قضایی عصر پهلوی اول»، **تاریخ و فرهنگ**، ۱۳۹۰ش، صص ۱۴۴-۱۲۱.
۱۴. زندیه، حسن، **تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول** (عصر وزارت عدلیه علی‌اکبر داور)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ش.
۱۵. زندیه، حسن و ده‌پهلوانی، طلعت، «جایگاه روحانیون متنفذ در مدرنیزاسیون قضایی و تدوین قانون مدنی در عصر پهلوی اول»، **پژوهش‌های تاریخی**، دوره ۴، ش ۴، ۱۳۹۱ش(الف)، صص ۸۶-۷۱.
۱۶. زندیه، حسن و ده‌پهلوانی، طلعت، «نقش علمای شیعی در عرفی‌گرایی و نوسازی نظام قضایی ایران پیش از عصر پهلوی اول»، **تاریخ و فرهنگ**، سال ۴۴، ش ۸۸، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش(ب)، صص ۱۳۵-۱۱۳.
۱۷. سادات فخر، سید محسن، «بایستگی نگاهی نو به حکمیت در کاوش‌های فقهی، حقوقی»، **فقه**، دوره ۱۷، ش ۶۶، ۱۳۸۹ش، صص ۱۰۱-۶۱.
۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر، **استفتاءات**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹ش.
۱۹. صدقی، ناصر، «بررسی ساختار و ماهیت نظام حقوقی دولت سلجوقی»، **پژوهش‌های تاریخی**، دوره جدید، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸ش، صص ۵۴-۴۱.
۲۰. صائب، عبدالحمید، **معجم مورخی الشيعة: الإمامية - الزيدية - الإسماعيلية**، قم، مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامي، ۱۴۲۴ق.

۲۱. عزیززاده بیرجندی، زهرا؛ عباسلو، سمیرا و الهی‌زاده، محمدحسن، «کارکرد اجوبه‌های علمای شیعی در مطالعات تاریخ اجتماعی ایران»، **پژوهش‌نامه تاریخ اسلام**، س ۳، ش ۱۱، ۱۳۹۲ش، صص ۷۵-۱۰۰.
۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی، **فقه سیاسی**، ج ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۴۲۱ق.
۲۳. فلور، ویلم و بنانی، امین، **نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی**، ترجمه حسن زندیه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷ش.
۲۴. قماش، محمدسعید، «قاضی تحکیم یا سیاست خصوصی‌سازی قضاوت-شرح و تفسیر ماده (۶) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب»، **فقه اهل بیت**، ش ۱۰، ۱۳۷۶ش، صص ۲۰۳-۲۴۰.
۲۵. قیوم‌زاده، محمود و مظفری، احسان، «قلمرو نظارت حاکم بر قضایی تحکیم در فقه و حقوق موضوعه»، **پژوهش‌های فقهی**، س ۱۷، ش ۲، ۱۴۰۰ش، صص ۳۸۳-۴۰۷.
۲۶. کرمانشاهی، آقا محمدعلی بن وحید بهبهانی، **مقام الفضل**، ج ۱ و ۲، قم، مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی، ۱۴۲۱ق.
۲۷. **مخطوطات (دست‌نوشته‌های مرحوم آیت‌الله سید محمد حسن علوی)**، کتابخانه شخصی علوی سبزواری، بی‌شماره.
۲۸. محقق داماد، مصطفی، **قواعد فقه** (بخش قضایی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۲۹. مشار، خان‌بابا، **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون**، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۰ش.
۳۰. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، **فقه القضاء**، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الجامعة المفید، ۱۳۸۱ش.
۳۱. موسوی خلخالی، محمد مهدی، **حاکمیت در اسلام**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰ش.

۳۲. نارستانی، مهدی، «معرفی نسخه‌های خطی خاندان عریضی علوی سبزواری»، همایش ملی تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی ایران، ۱۴۰۱ش.
۳۳. نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی، **رسائل و مسائل**، ج ۱، بخش ۲، تهران، کنگره نراقیین، ۱۴۲۲ق.
۳۴. هاشمی شاهرودی، محمود، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، تهران، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۳۵. پژوهشگاه فقه قضائیه، «معنای شرط حکم مرضی الطرفین»، ۱۴۰۱ش.





«تصویر شماره ۱ و ۲»

تمثال آیت الله میرزا ابراهیم شریعتمداری علوی سبزواری و
فرزندش مرحوم حجت الاسلام سید محمد مهدی علوی

حسن فارسانی بوده است
صورت حکم حکم
و موقوفه طلب حاج حسن فارسانی بمذبحه البیاض در میان کوه پهلوی علی صفر مزین فی کبر حسب
نقشهای وکیل مدعی علیه از محکمه محرمه در زمانه حکایت صادر شده بر دو تاریخ عدا اخذ
۱۳۷۵ شمسی قرار چه اینجانبان ابدان و در تاریخ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۷۵ با حضور
سید احمده المینی رضائی و کاجیر حسن ترقلانی و اینجانب حکم منشی طرفین و حضور وکلای
طرفین رسیدگی در عین ساعت بیرون آمدن از درون محفل آمدن مفاد نوشته جات مدعی
و اکهارات و مطلعین که حضور داشته مستمکن شد که کرم بدنی علی اصغر فرزند متصدی
«موقوفه» می بود و ملک ملک کلاته و محسن آباد و قنبرین و دشت محرز و مستمکن است
و برای تعیین اجور سنواتی حکمین قرار شد و حضرت و جناب دامیه پسند که بعد از
تعیین اجور سنواتی مدعی علیه هر قدری که خیریه یا معین نمایند باید مدعی علیه سبزواری
و کانی و کانی بن تاریخ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۷۵ شمسی در محکم محترم فی کبر حسب
سین مقدار در کلاته
و محسن آباد و متصدی بوده است
املا محمد حسن آباد

«تصویر شماره ۳»

نمونه ای از قرارنامه حکمیت موجود در دفتر محضر

دفتر اسناد و اوراق

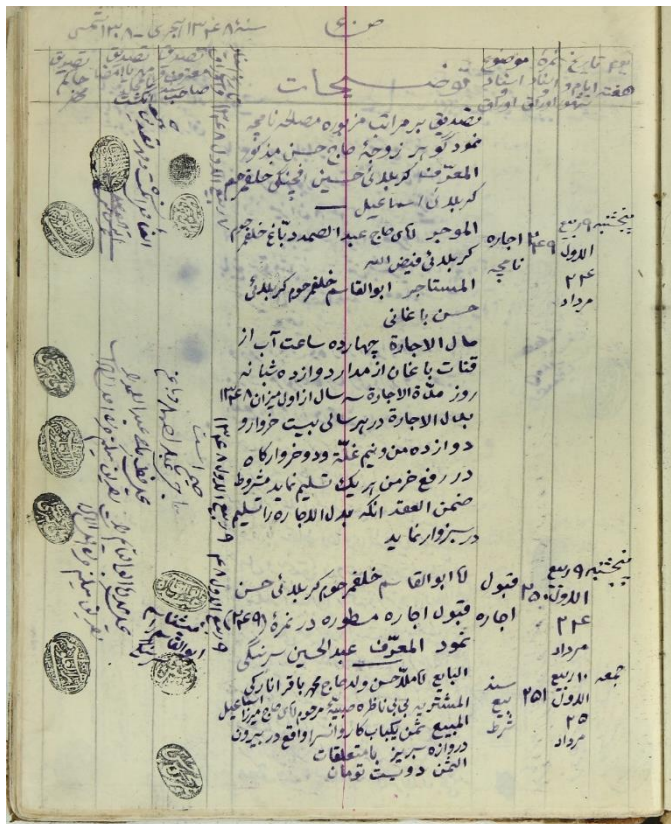
۱۳۰۷

شمسی

محضر آقای حاج میرزا ابراهیم مجتهد

«تصویر شماره ۴»

صفحه اول دفتر محضر آیت الله میرزا ابراهیم علوی



«تصویر شماره ۵»

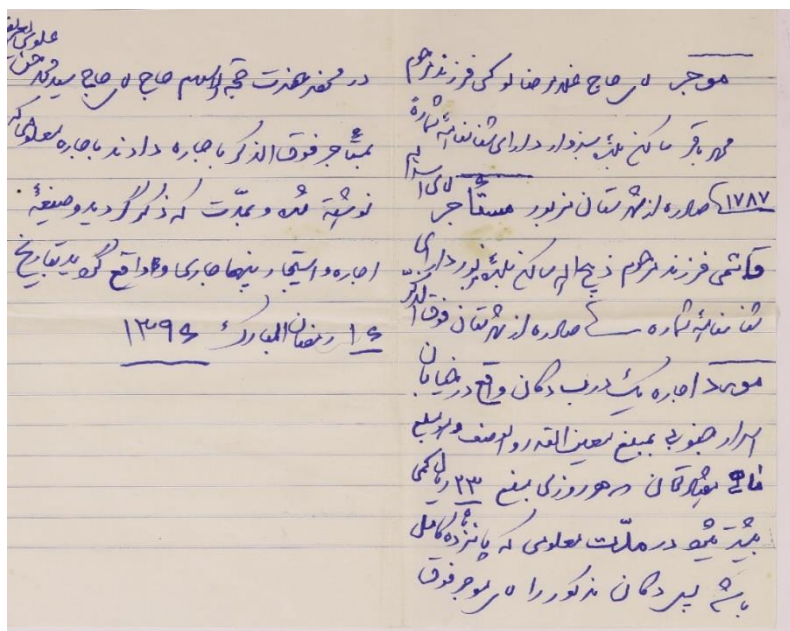


سال چهارم، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۴۰۴



«تصویر شماره ۶»

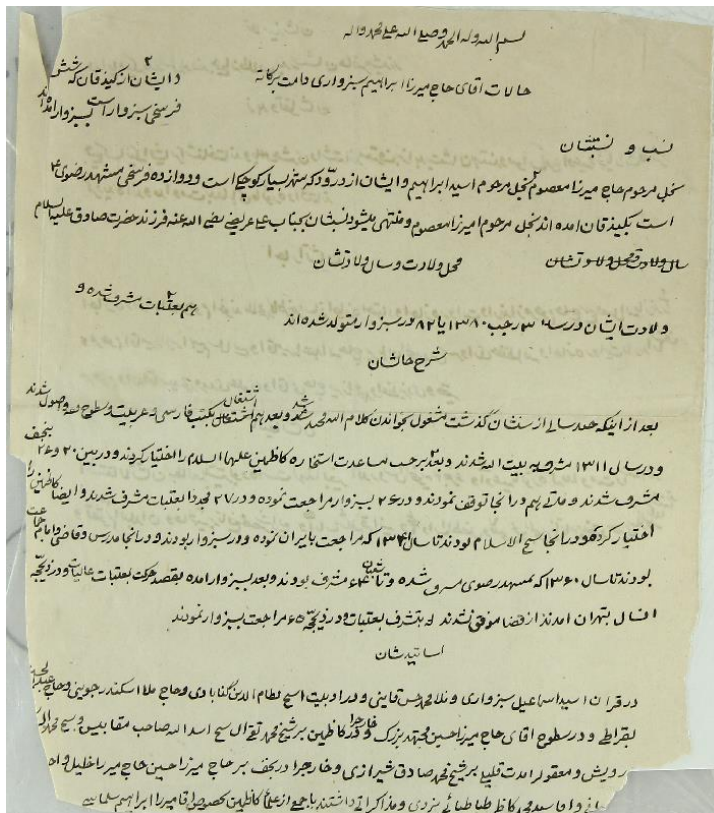
نمونه مهر آیت الله میرزا ابراهیم و فرزندش آقا سید محمد مهدی علوی در ذیل یک سند عادی



«تصویر شماره ۷»

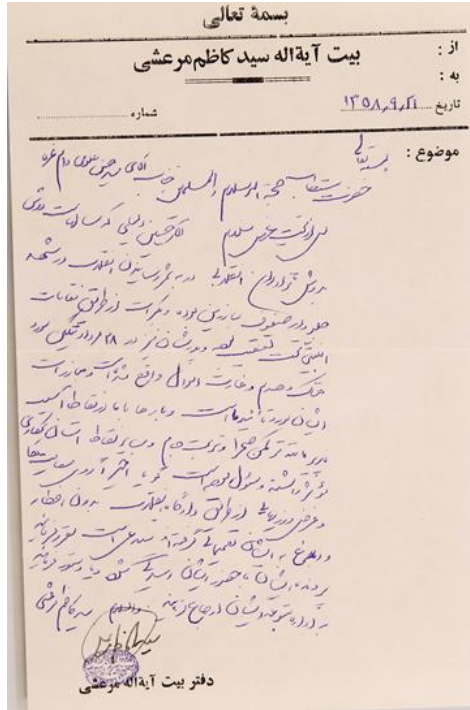


«تصویر شماره ۹۵»

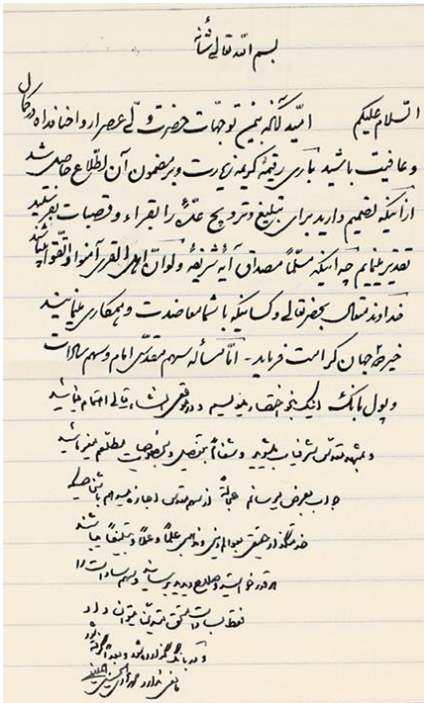


«تصویر شماره ۱۰۵»

«تصویر شماره ۱۱»



۱۳۶
سال چهارم، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۴۰۴



«تصویر شماره ۱۲»

[illegible]

Handwritten notes and a blue ink smudge on lined paper.

10/11/11
 10/11/11
 10/11/11

Handwritten signature and notes in Urdu script.

۱۳۶۰
لایحه
مجلس
۲۴
عبدالله رسول چوکا

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

۱۴۰
فصل یادآور
رهم

سازمان
کتابخانه و اسناد
۹۰۱۹

پیش می‌رسد

جلادی

43 mg

۲۱

